

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الارضين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الاولين والآخرين  
ادعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ<sup>۱</sup>

### لقب وصایت برای امیرالمومنین علیه السلام به نحو اطلاق

بعضی از القاب و اسمائی هستند که پیامبر اکرم برای امیرالمومنین علیه السلام فرموده اند:

ما همه می دانیم که وصی شرعا و عرفا جانشین موصی می باشد. کسی که دیگری را وصی می کند، آن شخص را جانشین خودش قرار می دهد. آن وقت، این جانشین قرار دادن، گاه در امر خاصی است و یا امور معینه ای و یا اطلاق دارد و جانشین اوست مطلقا. یعنی تمام آنچه که اگر آن شخص می بود بایست انجام می داد، وصی انجام می دهد. و تمام آنچه که موصی می خواهد انجام بگیرد، بعد از خود، وصی انجام می دهد.

اما اگر به نحو اطلاق کسی وصی دیگری شد، یعنی او جانشین موصی است در همه افعال، در همه ملکات، در همه صفات و همه حالات و جانشین او به تمام معناست. به عبارت علمی که در کتب نوشته شده یا در بحثها می گویند: وصی وجود تنزیلی موصی می باشد. پیامبر اکرم، در خصوص امیرالمومنین علیه السلام، فقط عبارت وصی را به کار برده اند نه در یک مورد بلکه در موارد مختلفه و به طور مکرر اعلام و ابلاغ کرده اند که علی وصی من است.

### لقب وصایت در جریان یوم الدار

شاید اولین موردی که پیامبر این معنا را فرموده باشند، روز نزول آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» باشد که وقتی بزرگان بنی هاشم را دعوت کردند، به تفصیلی که قبلا گذشت، در خصوص امیرالمومنین فرمودند: انّ هذا اخي و وصی و خلیفتی فیکم (بدون فیکم یا با وجود این کلمه) فاسمعوا له و اطیعوا. همچنانی که نسبت به من به حکم خداوند بایستی مطیع باشید به اطاعت مطلقه، بعد از من علی اینچنین است.<sup>۲</sup>

### لقب وصایت در روایت انس بن مالک

پیامبر به انس فرمودند: اسکب لی وضوئا آبی بیاور تا وضو بگیرم. بعد فرمودند: اول من یدخل علیک من هذا الباب امیرالمومنین و سید المسلمین و قائد الغر المحجلین و خاتم الوصیین<sup>۳</sup>

### لقب وصایت در روایت سلمان فارسی

سلمان گفت: یا رسول الله ان لكل نبی وصیاً فمن وصیک؟ هر یک از پیامبران الهی جانشین داشته است زیرا رسالت نباید قطع بشود. نباید دعوت قطع بشود. دعوت و رسالت و هدایت همچنان بایستی ادامه پیدا کند. من وصیک؟ فرمود: تعلم من وصی موسی؟ قال نعم. وصی موسی یوشع است. فرمود لم؟ چرا وصی موسی، یوشع شد؟ سلمان می گوید: لانه كان اعلمهم. اعلم موجودین، یوشع بود فلذا موسی او را وصی خودش قرار داد. معلوم می شود که وصی باید اعلم الموجودین باشد. وصی پیامبر باید مثل خود پیامبر عالم باشد. به همان مرتبه علم پیامبر،

۱. نحل / ۱۲۵

۲. ابن ابی حاتم والبعثی، ونقله عنهما ابن تیمیة فی (منهاج السنة) ۴ ص ۸۰، وعنه الحلبي فی سيرته ۱ ص ۳۰۴

۳. تاریخ مدینه دمشق، ۴۲-۳۸۶ و شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید ۹-۱۶۹

وصی شان باید عالم باشد. وقتی این سوال و جواب تمام شد فرمود: **فان وصی و موضع سرّی و خیر من اترک بعدی، ینجز عدتی و یقضی دینی - دینی - علی بن ابی طالب.**

وقتی این حدیث در منابع اولیه اهل سنت باشد مثل طبرانی، ابوبکر هیثمی، ابن حجر عسقلانی و امثال اینها روایت کرده اند و در منابع خودمان هم فراوان است، دیگر احدی نباید خدشه کند در اینکه جانشین پیامبر به تمام معنا، علی بن ابی طالب علیه السلام است.<sup>۴</sup>

### لقب وصایت در روایت حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها

در ساعات آخر عمر پیامبر، صدیقه طاهره وارد شدند و اظهار نگرانی کردند از بعد از پیامبر که چه خواهد شد. حضرت مطالب مهمی را به صدیقه طاهره فرمودند. ابوبکر هیثمی از حافظ ابوالقاسم طبرانی از دو کتابش - المعجم الکبیر و المعجم الاوسط - نقل کرده است:

فرفع رسول الله صلی الله علیه و آله طرفه الیها وقتی صدیقه طاهره متأثر بوده و اظهار نگرانی کردند پیامبر سرشان را بالا کردند. فقال حبیبی فاطمه ما الذی ینبکیک فقالت: اخشی الضیعة بعدک. صدیقه طاهره از بعد از پیامبر اظهار نگرانی کردند که چه به سرشان خواهد آمد. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: یا حبیبی اما علمت ان الله عزوجل اطع علی الارض اطلاعة فاختار منها بعلک و اوحی الی ان انکحک ایاه.

خداوند متعال دوباره به خلافتشان نگاه کردند و از میان همه پیامبر را انتخاب کرد و ایشان را نبی قرار داد. دوباره خداوند نگاه کرد و امیرالمومنین را اختیار کرد. یا فاطمه و نحن اهل بیت قد اعطانا الله سبع خصال لم یعط احداً قبلنا و لایعطى احداً بعدنا.

خداوند هفت چیز به ما داده که قبلاً نداده و بعداً هم نداده است. انا خاتم النبیین و اکرم النبیین علی الله و احبّ المخلوقین الی الله و انا ابوک و وصی خیر الاوصیاء و احبهم الی الله و هو بعلک و عمّ بعلک و منّا من له جناحان اخضران یطیر مع الملائکة فی الجنة حیث شاء (جعفر طیار) و هو ابن عم ابیک و اخو بعلک و منّا سبطا هذه الامه و هما ابناک الحسن و الحسین و هما سیدا شباب اهل الجنة و ابوهما و الذی بعثنی بالحق خیر منهما. یا فاطمة و الذی بعثنی بالحق انّ منهما مهدی هذه الامّة (خلاصه می کنم) یا فاطمة لا تحزنی و لا تبکی فانّ الله عزوجل ارحم بک و ارف علیک منی و ذلک لمکانک من قلبی و زوجک الله زوجاً و هو اشرف اهل بیتیک حسباً و اکرمهم منصباً و ارحمهم بالرعیة و اعدلهم بالسویة و اقصرهم بالقضیة و قد سئلت ربی عزوجل ان تکونی اول من یلحقنی من اهل بیتی قال علیّ فلما قبض النبی لم تبق فاطمة علیها السلام بعده الا خمسة و سبعین یوما حتی الحقها الله عزوجل به صلی الله علیه و آله. بنا بر این امیرالمومنین وصی رسول الله و خاتم الاوصیاء هستند و احبّ الخلق الی الله هستند. این معنا در روایات ما هم هست. در کلمات صحابه پیامبر فراوان است چه در نثر و چه در نظمشان. و هکذا در کلمات علما و شعرا تا به امروز، کلمه وصی لقب امیرالمومنین شده است. اگر وصی گفته شود ذهن به جای دیگر نمی رود.

کسی نگوید کلمه وصی در اسلام اصلی ندارد. این لقب امیرالمومنین را فلانی ابداع کرده است. بلکه ریشه در قرآن و در روایات معتبره فریقین دارد. امیرالمومنین وصی رسول الله نه در جهتی بلکه علی الاطلاق هستند یعنی جانشین و پرکننده خلأ نبودن پیامبر.

۴. مجمع الزوائد ۹-۱۱۳ و المعجم الکبیر ۶-۲۲۱

۵. مجمع الزوائد ۸-۲۵۳ و ۹-۱۶۵ و المعجم الاوسط ۶-۳۲۷

### لقب وصایت در خطبه امام مجتبی علیه السلام

از جمله کلمات اهل بیت خطبه امام مجتبی است که خیلی جالب و خیلی مطلب دارد. این خطبه در کوفه، روز بعد از شبی که حضرت امیرالمومنین به خاک سپرده شدند، انشاء شده است. این خطبه اینقدر مهم است که در مسند احمد و منابع مهم روایت شده است اما بعضی شان بعضی جملات خطبه را تصرف کرده اند یا به تعبیر صحیح خطبه را تحریف کرده اند زیرا سنداً قابل مناقشه نیست مطلقاً و متناً قابل مناقشه نیست مطلقاً. لذا تصرف متنی کرده اند که دلالتش کمتر بشود.

من این خطبه را از مجمع الزوائد نقل می کنم:

راوی ابوالطفیل از صحابه رسول الله است؛ خطبنا الحسن بن علی علیهما السلام فحمد الله و اثنی علیه و ذکر امیرالمومنین علیاً خاتم الاوصیاء به لقب خاتم الاوصیاء، ذکر کردند و وصی الانبیاء و امین الصدیقین و الشهداء ثم قال یا ایها الناس لقد فارقکم رجل ما سبقه الاولون مثله . مثلی تا حضرت آدم برای حضرتش نبوده است. و لایدرکه الآخرون مثلش نخواهد آمد. لقد کان رسول الله يعطيه الراية فيقاتل جبرئيل عن يمينه، ميكائيل عن يساره فما يرجع حتى يفتح الله عليه و لقد قبضه الله في الليلة التي قبض فيها وصی موسى و عرج بروحه في الليلة التي عرج فيها بروح عيسى و في الليلة التي انزل الله فيها الفرقان، و الله ما ترك ذهبا و لا فضة و لا في بيت ماله الا سبع مائة و خمسون درهما فضلت من عطائه اراد ان يشتري بها خادماً لام كلثوم من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني فانا الحسن بن محمد ثم تلى هذه الاية: «و اتبع ملة آبائي ابراهيم و اسحاق و يعقوب» الخ؟

این حدیث را ابوعلی، بزار، احمد بن حنبل، طبرانی، حاکم نیشابوری و دیگران روایت کرده اند. نه سنداً و نه دلالتاً قابل مناقشه نیست. در این خطبه امام مجتبی به آیه تطهیر برای خودشان استدلال کرده اند، به آیه مودت در حق خودشان استدلال کرده اند. پس وصی پیامبر امیرالمومنین است به تمام معنا و خاتم الاوصیاست بالنسبه به پیامبران.

### لقب وراثت برای امیرالمومنین علیه السلام به نحو اطلاق

لقب دیگر برای حضرت علی لقب وارث است. وارث به چه کسی گفته می شود؟ ذهن به طرف کسی می رود که اموال میت را بعد از او مالک می شود. و حال آنکه وارث مفهومش اعم است. وارث اختصاص به مال و صفات ندارد. حتی وارث شامل قیافه هم می شود. اختصاص به بعد موت هم ندارد. در زمان حیات کسی به فرزندش می گوئیم این پسر وارث پدرش هست، صفات او و قیافه او را به ارث برده است. امیرالمومنین وارث پیامبر هستند در حال حیات و بعد از پیامبر. یعنی تمام آنچه را که پیامبر دارند، نزد امیرالمومنین است. و نه به اموال و نه به سایر ملکات اختصاص ندارد بلکه امیرالمومنین مطلقاً وارث پیامبر است یعنی دارنده آنچه که پیامبر داشته اند. آنچه را که عرض می کنم از خودم نیست لغت، عرف، قرآن، حدیث و حتی صحابه هم چنین می فهمند.

### لقب وراثت در روایت قثم بن العباس

از قثم بن العباس سوال شد (پسر عموی پیامبر و برادر عبدالله بن عباس، که چهارتا برادر هستند: قثم، فضل، عبدالله و عبیدالله) از قثم سوال شد؟ کیف ورث علی رسول الله دونکم؟ چرا علی وارث پیامبر بشود ولی شما نشدید. بنا نبود که وارث اموال بشود زیرا پسرعمو که وارث نمی شود امیرالمومنین در جهت اموال وارث پیامبر نیست بلکه وارث پیامبر صدیقه طاهره است اگر مالی باقی مانده باشد. جواب داد: لانه کان اولنا به لحوقاً و اشدنا به لزوقاً جنبه فصاحت و بلاغتی اش هم حفظ شده است. به دلیل اینکه علی از ما سبقت گرفت در ایمان به پیامبر و از ما ملازمتش

با پیامبر و جدانشدندش از حضرت، بیشتر بوده است یعنی در اثر این مدت ملازمت، تمام آنچه را که پیامبر داشته است، امیرالمومنین از رسول الله گرفته اند.

این حدیث را وقتی حاکم روایت می کند می گوید: حدیث صحیح الاسناد و بزرگانی مثل نسائی و غیر نسائی، قبل از حاکم روایت کرده اند.<sup>۷</sup> این حدیث اطلاق دارد. وارث است مطلقاً من جمیع الجهات. حضرت علی آنچه پیامبر داشته اند را دارنده هستند، حتی در ایام حیاتشان.

### تأکیدات پیامبر به صحابه درباره میزان بودن امیرالمومنین علیه السلام

و برای همین است که پیامبر حضرت امیر را بعد از خودشان میزان قرار دادند. به امیرالمومنین گفتند: انت تبیین لامتی ما اختلفوا فيه<sup>۸</sup>. به ابولیلی غفاری فرمودند: ستکون بعدی فتنة فاذا کان ذالک فالزموا علی بن ابی طالب فانه اول من یرانی - در قیامت - و اول من یصافحنی و هو الصّدیق الاکبر و هو فاروق هذه الامة یفرق بین الحق و الباطل و هو یعسوب المومنین<sup>۹</sup>.

این حدیث را ابن عبدالبرّ قرطبی در الاستیعاب، ابن حجر عسقلانی در الاصابه، ابن اثیر در اسد الغابه و ابونعیم اصفهانی و دیگران آورده اند. این حدیث را پیامبر به یکی دیگر از صحابه به نام کعب بن اجره فرموده اند. وی می گوید: قال رسول الله تکون بین الناس فرقة و اختلاف. فیکون هذا و اصحابه علی الحق یعنی علیاً بعد از من این طرف و آن طرف نروید<sup>۱۰</sup>.

پیامبر به ابورافع فرمودند (به تک تک صحابه به مناسب فرمودند) اخذ بیدی فقال یا ابارافع سیكون بعدی قوم یقاتلون علیاً حقاً علی الله جهادهم بایستی با آنها جهاد کرد. فمن لم یستطع جهادهم بیده فبلسانه اگر نتوانیم با مخالفین امیرالمومنین بجنگیم به زبان باید از آنها تبری کنیم. فمن لم یستطع بلسانه فبقلبه<sup>۱۱</sup>.

پیامبر به ابویوب انصاری و عمار می فرماید. ابویوب می گوید سمعت رسول الله یقول لعمار: یا عمار تقتلک الفئنة الباغیة و انت مع الحق و الحق معک و عمار هم در خدمت امیرالمومنین در صفین بوده است. یا عمار ان رأیت علیاً قد سلک وادیا و سلک الناس وادیا غیره فاسلک مع علی فانه لم یدلیک فی سدی و لم یخرجک من هدی<sup>۱۲</sup>.

به حدیفه فرمودند: (انصافاً کارهای پیامبر عجیب است و چقدر دقت کردند و واقعا به تکلیف ابلاغی شان به هر طور که توانستند عمل کردند!) حدیفه محرم اسرار پیامبر بوده است و او می گوید فتنة ای بعد از پیامبر واقع خواهد شد از حدیفه سوال کردند فکیف نصنع؟ گفت: انظروا الفرقة التي تدعو الی امر علی فالزموها فانها علی الهدی. آن فرقه ای که علی می گوید و دم از علی می زند و دعوت به علی می کند و مرید علی است و ولایت علی را دارد، تو جزو آن فرقه باش<sup>۱۳</sup>.

۷. المستدرک ۳-۱۲۵ و المعجم الكبير ۱۹-۴۰ و اسد الغابة ۴-۱۹۷.

۸. المستدرک ۳-۱۲۲.

۹. الاستیعاب ۴-۱۷۴ و اسد الغابة ۵-۲۸۷.

۱۰. کنز العمال ۱۱-۶۲۱.

۱۱. المعجم الكبير ۱-۳۲۱.

۱۲. کنز العمال ۱۱-۶۱۳ و تاریخ بغداد ۱۳-۱۸۸.

۱۳. مجمع الزوائد ۷-۲۳۶ و فتح الباری ۱۳-۷۴. ابوبکر هبثمی می گوید: رجاله ثقات.

الآن اگر کسی که مسلمان نیست و بخواهد وارد اسلام بشود، می خواهد ببیند به اینکه پیامبر چه فرمودند و می خواهد تابع پیامبر بشود، رسماً باید شیعه بشود و به این حدیث عمل کند و نباید جای دیگر برود که خلاف اراده خدا و رسول است.

پیامبر به امیرالمومنین فرمودند: انت تبین لامتی ما اختلفوا فیه بعدی. حاکم می گوید: هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین.

اطلاق هم دارد یعنی از آن رحلت پیامبر که اختلاف ایجاد شد، میزان امیرالمومنین است نه زمانهای بعدی. انت تبین لامتی ما اختلفوا فیه بعدی.

و دیدیم بعد از پیامبر اختلاف ایجاد شد تا به امروز. و اگر بخواهیم مطیع پیامبر باشیم، باید سراغ امیرالمومنین برویم.

و لذاست که از جمله القاب امیرالمومنین سید المسلمین، امیرالمومنین، امام المتقین، قائد الغرالمجلیین، فاروق الامة، یعسوب الدین. این حدیث به سند صحیح در کتب دست اول موجود است.

سید المسلمین یعنی چه؟ امیرالمومنین و امام المتقین معنای این القاب چیست؟ القابی که از خدا و رسول است نه از طرف مردم.

پیامبر می فرماید این القاب را خداوند به من وحی کرده است. اوحی الی فی علی ثلاث انه سید المسلمین و امام المتقین و قائد الغرالمجلیین.

کسانی که این روایت را نقل کرده اند ابن حجر عسقلانی است (خیلی در نزد آنها بزرگ است) و قبل از او طبرانی و بزار و ابونعیم اصفهانی و بعد از ابن حجر هم نقل کرده اند.

جالب است ابن حجر می گوید: این وحیی که پیامبر فرموده است، در معراج بوده است. این حدیث را همه شان هم از سلمان، از ابوذر، حدیفه، ابن عباس و عده ای از صحابه نقل کرده اند.

و حدیث دیگر از ابن عباس: نظر النبی الی علی فقال انت سید فی الدنیا و سید فی الاخرة و حبیبک حبیبی و حبیبی حبیب الله. عدوک عدوی عدو الله الویل لمن ابغضک بعدی<sup>۱۴</sup>. حاکم می گوید: هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین.

این حدیث را احمد و دیگران روایت کرده اند.

۱۴. الرياض النضرة فی مناقب العشرة ۳-۱۲۲ و تفسیر القرآن صنعانی ۱-۲۲